

اعداد نمادین در موسیقی ایرانی

● بهروز وجدانی

عضو هیات علمی پژوهشگاه مردم‌شناسی

موسیقی را گرچه علم الحان دانسته‌اند ولی از گذشته تاکنون این هنر با فیزیک و ریاضی و اعداد رابطه ناگسستی داشته است. انواع فاصله‌ها، ضرب‌ها، وزن‌ها و پرده‌های گام‌ها و غیره با اعداد بیان می‌شوند. تمام فیلسوفان و دانشمندان بزرگ ایرانی از جمله فارابی، ابوعلی سینا، قطب‌الدین شیرازی، عبدالقادر مراغه‌ای و دیگران در آثار خود موسیقی را با تعریف فوق پذیرفته‌اند و رابطه آن را با اعداد و ارقام و علوم ریاضی و فیزیک بسیار قوی و ناگسستی دانسته‌اند. ابوعلی سینا معتقد بود که پایه‌های موسیقی (علم ترکیب نعمات و علم اوزان) بر اصولی استوار است که از علوم خارج از موسیقی مثل ریاضی، فیزیک، هندسه و علوم طبیعی اخذ می‌شوند.

در حوزه باورها و اعتقادات اعداد علاوه بر ارزش کمی دارای ویژگی‌های کیفی نیز می‌باشند. پاره‌ای از اعداد مانند ۲، ۴، ۵، ۷، ۱۲، ۲۴، ۳۰، ۳۶۰ و غیره در موسیقی ایرانی علاوه بر حضور در مباحث فیزیک و ریاضی و بحث‌های نظری دارای اهمیت ویژه و گاه ماهیتی مقدس دارند. نظر به وسعت و اهمیت موضوع در این مقاله صرفاً به اعداد نمادین ۲ و ۴ پرداخته خواهد شد. باورها، اعتقادات و جهان‌بینی هر قومی ریشه در گذشته‌های بسیار دور دارد و در واقع محصول فکر و عمل تمام مردم یک جامعه از گذشته تا به حال است. ایران به سبب موقعیت ویژه و ممتاز جغرافیایی از گذشته‌های بسیار دور مانند پلی، کشورهای متمدن غرب و شرق را به هم ارتباط داده است و محلی برای برخورد و مبادله افکار و عقاید و آداب و اخلاق گوناگون بوده است. همچنین تعالیم هندی و ملل آسیای غربی را از یک سو و تعالیم و عقاید حکمای یونانی از جمله افلاطون که با خلق و خوی خود مساعد یافته بود از سوی دیگر پذیرفت و سبب انتشار آن نیز گردید. تمدن ایرانی ترکیبی از تمام تمدن‌های کهن و آسیای غربی، کلد، بابل، سومری، اکدی، عبرانی، مصری، یونانی، هندی، چینی و غیره است و تا آنجا که به بحث ما یعنی اعداد نمادین در موسیقی ایرانی مربوط می‌شود تعامل با تمدن‌های مزبور را می‌توان مشاهده نمود. شادروان حسن مشحون در صفحه ۱۳ جلد اول تاریخ موسیقی ایران می‌نویسد: «پیروزی‌های اسکندر سبب انتشار تمدن یونان در سرزمین‌ها و کشورهای مفتوحه او گردید و دامنه آن تا هندوستان نیز رسید. اسکندر مایل

بود تمدن و آداب و رسوم یونانی را به ایران تحمیل کند اما با مشاهده عظمت تمدن ایران ناگزیر شد سازمان کشوری و شیوه‌ی اداره آن را به همان صورتی که در دوره‌ی داریوش رایج بود نگاه دارد و آداب و رسوم ایرانی را محترم شمارد. پس از اسکندر هنرهای زیبا از جمله موسیقی در یونان راکد ماند ولی در شهرهای بزرگ و کانون‌های تمدنی آن عصر دیگر بار رونق یافت و هنرهای این دوره نسبت به قدیم بیشتر تعلیم گرفته و صفا یافته بود.»

در این مقاله سعی شده علاوه بر اعتقادات و باورهای دانشمندان و موسیقی‌دانان معتبر گذشته از جمله فارابی، ابوعلی سینا، ارموی، عبدالقادر مراغه‌ای، قطب‌الدین شیرازی، ابواسحق کندی و غیره باورهای نوازندگان صاحب نام و چیره‌دست کنونی که علاوه بر نعمات دلنشین موسیقی قدیم ایران، باورها و اعتقادات پیشینیان را نیز به خوبی می‌دانند در جای مناسب آورده شود.

مادینگی و نرینگی اعداد در ابزارهای موسیقی
حاج قربان سلیمانی نوازنده‌ی دوتار برای تمام افرادی که به شنیدن موسیقی مقامی قوچان علاقمندند، چهره‌ای است آشنا. وی اعتقاد دارد که ۲ عدد سیم یازه یا ابریشم یا در واقع دو تار برای یک ساز کافی است و چون آدم و حوا همیشه با هم بوده‌اند و اساس خلقت بر پایه این دو شخصیت شکل گرفته پس برای بیان احساسات، دو تار کفایت می‌کند. به نظر این هنرمند یکی از سیم‌های دوتار مذکور و دیگری مؤنث است. در باورهای یونانی نیز اعداد فرد حکم تر و اعداد زوج ماده به شمار می‌آیند و این همدلی و هم‌آوایی سیم‌های فرد و زوج است که باعث خلق نعمات زیبا و دلنشین می‌شود.

استاد شیر محمد اسپندار یکی از بزرگترین نوازندگان دونلی در بلوچستان نیز اعتقاد دارد که ساز او دارای ۲ نی تر و ماده است و هر چه هنر است از نی ماده است و نی تر فقط او را همراهی و پشتیبانی می‌کند. در صفحات ۶۱ و ۶۲ کتاب موسیقی بلوچستان نوشته شادروان دکتر محمدتقی مسعودیه در خصوص مذکور مؤنث بودن برخی از ابزار موسیقی بلوچستان آمده است: «دی دی نیز مشتمل بر دو نی کاملاً مجزا از یکدیگر است. طول هر یک از این دو نی، برخلاف دونلی متفاوت است. نی طولانی مذکور و نی کوتاه‌تر مؤنث است. نی مذکور ۶۷ و مؤنث حدود ۴۱ سانتی متر است. در دی دی نی مؤنث مخصوص اجرای ملودی و نی مذکور و آخوان است.»

ساز دُرُگَر طبل استوانه‌ای است که یک انتهای بدنه‌ی آن وسعت بیشتری نسبت به انتهای دیگر دارد. دُرُگَر ساز مؤنث است. طبل کوچک‌تر شَمبُوک نام دارد. طول آن ۲۸ سانتی‌متر است و نقش ساز مؤنث را عهده‌دار است.»

در موسیقی ایرانی اصطلاحات و ابزار موسیقی بی‌شماری نیز وجود دارند که بر پایه عدد ۲ شکل گرفته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: دو آهنگ، دو بوقه، دو بیته، دوتا، دوتار، دوتا یکی، دو دانگ، دو تیکه، دوزل، دو شاخه، دو طبله، دو قرسه، دو گاه، دو مضراب، دونای، دو یا نی (نی جفتی)، دو یک، البته موضوعات دیگری نیز مثل زیر و بم، بالا و پایین، اوج و حسیض، پستی و بلندی، خفیف و ثقیل، سبک و سنگین نیز در موسیقی قدیم و جدید ایرانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که ماهیت آنها دوگانه است و در این بحث مورد نظر ما نیست.

پیوند مزاج و اعداد در موسیقی

آن طور که در رساله چهارم اخوان الصفا، در کتاب سه رساله فارسی در موسیقی و سایر آثار منتقدین آمده است، بین موسیقی و انواع مزاج‌ها نیز پیوندهایی وجود دارد: «بدان که زیر بر طبع صفر است و دو تا بر طبع خون و سه تا بر طبع بلغم و بم بر طبع سودا. اگر سودا غالب بود پیش وی دو تا باید زد. زیر بر طبع آتش است و گرم و خشک و دو تا بر طبع هواست و گرم و تر و سه تا بر طبع آب است سرد و تر و بم بر طبع زمین است سرد و خشک. این ترتیب طبیعت است و آن کس را که برین وقوف افتد تواند که همه علت‌ها را دوا کند بی‌هیچ دارویی خاصه که علت نفسانی بود.»

ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی فیلسوف بزرگ اسلامی که در سال ۲۶۰ هجری قمری به دنیا آمده در زمینه موسیقی تحقیقات ارزنده‌ای انجام داده و چند رساله موسیقی و گام معروف به «گام کندی» از او به یادگار مانده است. نامبرده که در تمام جنبه‌های علمی و عملی موسیقی صاحب‌نظر بوده معتقد است که «ایرانیان دوگانه‌گرای هستند و رومیان جهان هستی را سه‌گانه و یونانیان چهارگانه می‌بینند. یونانیان ابزار چهار زهی و پنج زهی تا هشت‌زهی نیز دارند که همه آنها بنا به تعبیرات فلسفی آنها از امور جهان ساخته شده است. البته بابلیان نیز سازهای چهارزهی را از خود می‌دانند.» همان طور که در مقدمه گفته شد فرهنگ و تمدن ایرانی و یونانی و همچنین موسیقی این دو کشور بر یکدیگر تأثیرات متقابل داشته‌اند. درباره یونانیان باید بیان داشت که آنان به اعداد اعتقاد

ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی فیلسوف بزرگ اسلامی که در سال ۲۶۰ هجری قمری به دنیا آمده در زمینه موسیقی تحقیقات ارزنده‌ای انجام داده و چند رساله موسیقی و گام، معروف به «گام کندی» از او به یادگار مانده است. نامبرده که در تمام جنبه‌های علمی و عملی موسیقی صاحب نظر بوده معتقد است که ایرانیان دوگانه‌گرای هستند و رومیان جهان هستی را سه گانه و یونانیان چهارگانه می‌بینند

زیادی داشته‌اند و بنابر عقیده فیثاغورث و پیروانش تمام جهان هستی براساس اعداد ساخته و پرداخته شده‌اند و این اعتقاد از طریق ترجمه آثار متفکران یونانی به زبان عربی و سپس به کتاب‌ها و رساله‌های موسیقی ایرانی راه یافته است. البته پاره‌ای از اعتقادات فیلسوفان یونانی از جمله آنچه مربوط به موسیقی کیهانی می‌شود (ارتباط موسیقی با اوضاع و احوال آسمانی) را دانشمندان ایرانی از جمله فارابی و ابوعلی سینا قبول نکرده و آن‌ها را سست دانسته‌اند. شادروان تقی بینش در مقدمه کتاب سه رساله فارسی در موسیقی در بحثی پیرامون عقاید حکماء یونان می‌نویسد: «فیثاغورثیان یا طرفداران و پیروان مکتب فیثاغورث اعتقاد داشتند که فاصله‌های کرات آسمانی از یکدیگر به نسبت فاصله‌های اعدادی است که نغمات آوازها را می‌سازند و گردش آنها نیز نغمه‌ای ساز می‌کند که روح عالم است و آن را گوش مردم به واسطه‌ی عادت یا عدم استقلال در نمی‌یابد. این طرز تفکر به بزرگان اسلام و ایران نیز تسری پیدا کرد و کسانی مانند مولوی بدان رنگی از اعتقاد توأم با توحید و معرفت اسلامی زدند. در دفتر چهارم مثنوی مولوی آمده است:

پس حکیمان گفته‌اند این لحن‌ها

از دوار چرخ بگرفتیم ما

بانگ گردش‌های چرخست این که خلق

می‌سرایندش به طنبور و به حلق

مؤمنان گویند کائنات بهشت

نغمه گردانید هر آواز زشت

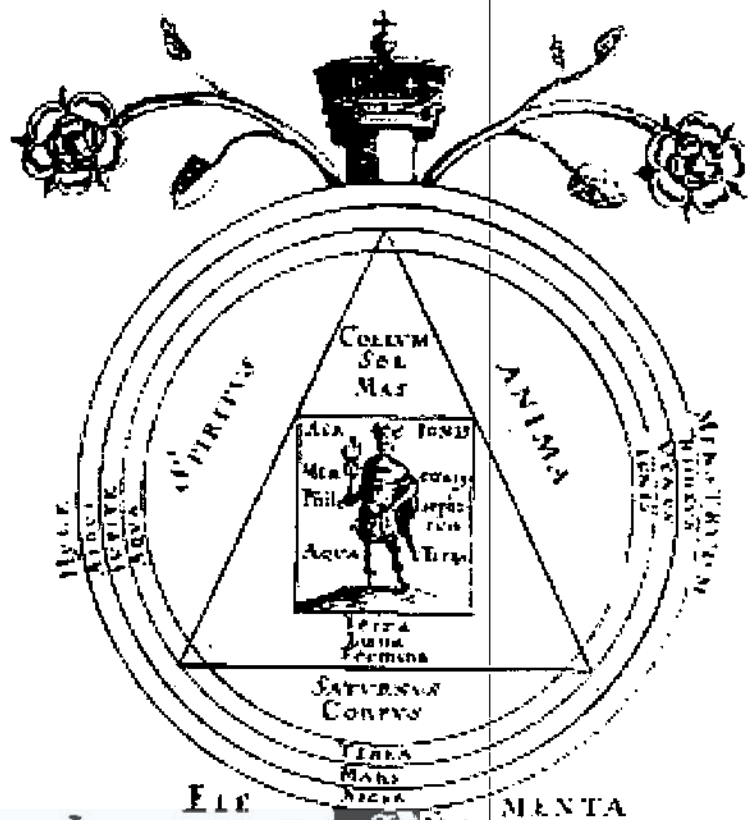
ما همه اجزاء آدم بوده‌ایم

در بهشت این لحن‌ها بشنوده‌ایم

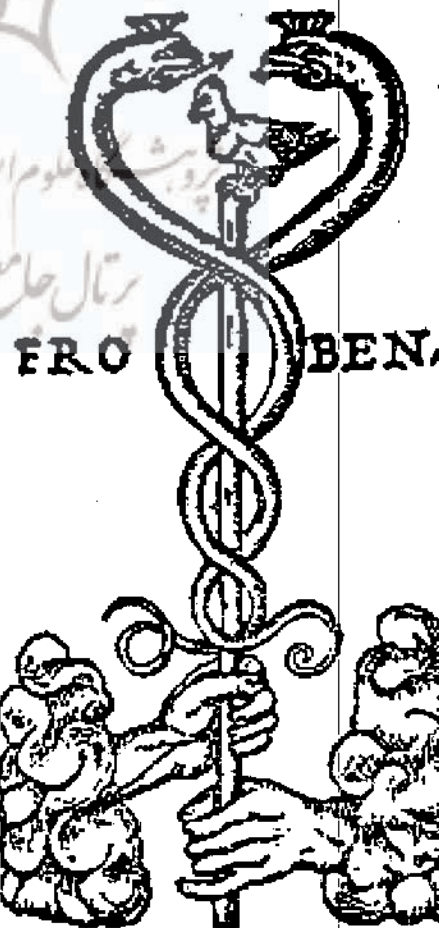
بحث پیرامون عقاید و آراء فلاسفه یونان در زمینه موسیقی کیهانی و تأثیراتی که این‌گونه تفکرات در اعتقادات و آراء دانشمندان ایرانی و باورهای مردم ایران به جای گذاشته در این مقاله نمی‌گنجد، از این رو به بحث اصلی که پیرامون اعداد نمادین در موسیقی ایرانی است پرداخته می‌شود. در این راستا عدد چهار اهمیت ویژه‌ای در موسیقی ایرانی پیدا کرده است.

موسیقی و عناصر چهارگانه طبیعت

رابطه موسیقی و عناصر چهارگانه طبیعت یعنی هوا، آب، خاک و آتش یکی از مباحث عمده و قابل اعتنا در تمام کتاب‌ها و رساله‌های موسیقی ایرانی است. نظریه‌پردازان موسیقی ایرانی پس از اسلام بیشتر تحقیقات و نظرات خود را براساس ساز عود مطرح



قدما برای هر وتری خواصی قایل بودند. به عنوان مثال وتر «بیم» یا نخستین وتر ترابی یعنی منسوب به خاک که سرد و خشک شمرده می‌شد و طبعاً می‌توانست «صفر» را یا محرک صفر باشد، بنابراین برای اشخاص سیاه چرده که صفرای مزاج بودند نمی‌توانست سودمند باشد.



کرده‌اند و از آنجا که این ساز در ابتدا چهار سیم داشته آن را با عناصر چهارگانه طبیعت و مزاج‌های چهارگانه مرتبط دانسته‌اند. رابطه موسیقی با سایر علوم از جمله نجوم، پزشکی، جغرافی، روان‌شناسی و غیره در این نگرش قابل مطالعه و طرح می‌باشند.

لازم به ذکر است که عود در ابتدا چهار وتر (سیم) به اسمی بهم، مثلث، مثنی و زیر داشته است و بعدها وتر پنجم بنام «حاد» به آن افزوده شده است.

شادروان تقی بینش در مقدمه عالمانه‌ای که بر شرح ادوار ارموی نوشته است درخصوص رابطه اوتار عود و عناصر چهارگانه و اخلاط اربعه (مزاج‌های چهارگانه) مطالبی قابل استفاده آورده که به بحث ما مربوط می‌شود:

«قدما برای هروتری (سیم) خواصی قایل بودند. به عنوان مثال وتر «بم» یا نخستین وتر تریبی یعنی منسوب به خاک که سرد و خشک شمرده می‌شد و طبعاً می‌توانست «صفر» را یا محرک صفر باشد، بنابراین برای اشخاص سیاه چرده که صفراوی مزاج بودند نمی‌توانست سودمند باشد.»

در کتاب سه رساله فارسی در موسیقی بخش مربوط به رساله سوم کنزالتحف درخصوص سیم‌های چهارگانه عود و رابطه‌ی آن با عناصر چهارگانه طبیعت و مزاج‌های چهارگانه انسان شرح مبسوطی آمده است که قسمت‌هایی از آن نقل می‌شود:

«بعضی از الحان محنته آن است که هر سحرگاه در بیمارستان‌ها ادا باید کرد بر بالین رنجوران، چرا که نغمه وتر زیر مشمر صفر است در مزاج ایشان و این وتر را مماثل رکن آتش می‌نهند و نغمه مثنی مبعث دماه است در مزاج و این را مماثل رکن هوا می‌نهند و نغمه مثلث مهیج بلغم است در مزاج و این وتر را مماثل رکن آب می‌نهند و نغمه بم مهی سوداست در مزاج و این وتر را مماثل رکن خاک می‌نهند. پس لابد بود که مردمان صفراوی مزاج را نعمات از وتر مثلث نتوانند و بلغمی مزاج را نعمات از وتر زیر و دموی مزاج را نعمات از وتر بم و سوداوی مزاج را نعمات از وتر مثنی و یعالج الضد بالضد. در ازمنه ماضیه (گذشته) دایماً به رعایت این شرایط مشغول بودند و این ساعت به سبب آن که قواعد انتظام امور و ضوابط حاکم بر اصول به شومی دنائت هم چهل و خساست طباع اراذل منخزم و منصرم شده و آن وصف‌ها و شرط‌ها به کلی منسوخ گشته و متروک مانده است.»

به عقیده قدما «خلط» به معنی «رطوبت» ماده‌ای بوده که در بدن انسان وجود داشته و در اعمال حیاتی او نقش مؤثری ایفا می‌کرده است. حکمای قدیم از جمله ابوعلی سینا که به موسیقی و اوزان آن آشنایی داشتند معتقد بودند که با استفاده از موسیقی می‌توان بیماران را معالجه کرد و هر حکیمی که بر این مهم وقوف داشته باشد می‌تواند همه دردها را به‌ویژه بیماران روحی را دوا کند بدون آن که از دارویی استفاده کرده باشد.

علامه شمس‌الدین محمدبن محمود آملی از علمای قرن هشتم هجری در کتاب نقایس الفنون فی عرایس العیون که در واقع دایرةالمعارفی از علوم رایج در قرن

هشتم ایران است در مبحثی به نام «در بیان حقیقت پرده و آوازه و ترکیب و شعبه» بین پرده‌های موسیقی و عناصر چهارگانه طبیعت رابطه‌ای قایل است:

«... پرده‌های مشهور دوازده‌اند بنابر آنکه موالید که از امتزاجات عناصر در عالم کون و فساد حاصل می‌شوند سه‌اند و عناصر چهار و مضروب ۴ در ۳ دوازده باشد و نام‌های اینان این است:

عشاق، نوا، بوسلیک، راست، عراق، اصفهان، کوچک، زیرافکنند، بزرگ، زنگوله، رهاوی، حسینی، حجاز»

موسیقی و چهار فصل سال

موسیقی‌دانان قدیم ایران بین موسیقی و چهار فصل سال نیز رابطه‌ای قایل بودند و اعتقاد داشتند که خواننده و نوازنده بایستی برای هر یک از فصل‌های سال نعمات ویژه‌ای را اجرا کند تا در شونده اثر مطلوب به جای گذارد. در صفحات ۸۸ و ۸۹ رساله موسیقی «بهبخت الروح» آمده است:

«بر ارباب نعمات این علم واجب است که بدانند که در هر فصل چه باید خواندن و نواختن که موجب فرح و شادی خلق الله باشد.

فصل بهار چون طبیعت گرم و تر است و آفتاب در برج حمل و ثور و جوزا است، در این فصل می‌باید که نعمات چند بنماید که دلیل این فصل باشد چون عراق، مخالف، مایه، کردانیه، سلمک، شهناز، نوروز عجم، نوروز الاصل، ركب و بیاتی خوانند که طبایع پرده‌های مذکور منسوب است به باد و مزاج به این‌ها نیکو مناسبت دارد.

فصل تموز (تابستان) چون طبیعت تابستان تعلق به آتش دارد و شمس در سرطان و اسد و سنبله است، می‌باید که پرده‌ای چند نماید که آتشی گرم و خشک بود چون مغلوب، زنگوله، اوج، کردانیه، ماهور، ركب، نشابورک و پنجگاه خوانند.

فصل خریف (پاییز) که آفتاب در برج میزان و عقرب و قوس است، می‌باید که نعماتی چند تقریر کند که طبعش مناسبت به خاک داشته باشد و سرد و خشک بود چون عشاق، چهارگاه، بوسلیک، بزرگ، کوچک، نیریز، همایون، عزال، حسینی، نیریز کبیر و مایه خوانند تا موجب تزاید سودا نشود و ماده و اخلاط پدید آید.

فصل شتاء (زمستان) طبعش سرد و تر است و مناسبت با آب دارد و آفتاب در این فصل در جدی و دلو و حوت است، می‌باید نعماتی چند خوانند و نماید که مستوجب آن گردد که خاطر ملوک و امراء نامدار مسرور و مشغوف شود. پرده‌هایی که در فصل زمستان به کار آید خواندن: راست، عجم، نیریز، ماهور، نوروز عجم، ایکیات، سپهری، مخالف، عراق، محیر، حجاز و بوسلیک نیز در تحویل حوت که جسدین است میتوان خواندن. در این فصل چون اهل مجلس در کنار آتشگاه و تنور نشستند، بر معنی واجب باشد که حسینی و نهان‌دک و مبرقع و رهاوی خوانند تا خشکی کره آتش از اهل مجلس مندفع شود و خوشحالی و سرور و نشاط دست دهد و به عیش اشتغال نمایند. والله اعلم»

موسیقی و چهار جهت جغرافیایی

در فرهنگ‌های فارسی و کتابهای موسیقی قدیم ایران

با اصطلاحی به نام «شد» یا «شدود» برخورد می‌کنیم که دارای معانی مختلفی است. در کتاب مقاصد الالحان نوشته عبدالقادر مراغی شد به معنای پرده، مقام، دور و دایره آمده است. پرده‌های ساز را از آن جهت شد می‌گفته‌اند که بازه محکم بسته می‌شده است و چون هر پرده به مقامی یا گامی اختصاص داشته است به مقامات دوازده‌گانه موسیقی قدیم ایران «شدود» گفته‌اند.

صاحب کتاب «بهبخت‌الروح» چهار شد موسیقی را با چهار جهت جغرافیایی به شرح زیر معادل دانسته است:

۱- شد اول شامل نوا و نشابورک که تعلق به آتش دارد و مشرقی است.

۲- شد دوم شامل دوگاه و حسینی و مخالف و عراق که تعلق به باد دارد و مغربی است.

۳- شد سوم شامل راست و پنجگاه که تعلق به آب دارد و شمالی است.

۴- شد چهارم شامل مخالف و عراق که تعلق به خاک دارد و جنوبی است.

اصطلاحات زیر نیز بر پایه عدد چهار شکل گرفته‌اند که در این بحث به آنها پرداخته نشده است: چهار باغ یا چهار یاره، چهار بیتو، چهار تار، چهار ضرب، چهارگاه، چهارگوشه، چهار مضراب و غیره.

پاورقی:

۱- «دونلی» سازی است بادی که فقط در بلوچستان رواج دارد و در حال حاضر به جز استاد کهنسال شیر محمد اسپیندار کسی دیگر با نواختن این ساز خوش نوا آشنایی ندارد. دونلی دارای دو نی بلند و مساوی است که نی نو یازده سوراخ و نی ماده هشت سوراخ دارد. این هنرمند بی‌همتا و وارسته نواختن دونلی را در بلوچستان پاکستان فرا گرفته است و صدای جادویی ساز او عطر و بوی تمام مناطق شبه قاره هند و بلوچستان بزرگ را یکجا دارد.

فهرست منابع:

- ۱- سه رساله فارسی در موسیقی، به اهتمام تقی بینش، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲- نقایس الفنون فی عرایس العیون، جزء سوم، شمس‌الدین آملی، محمدبن محمود، اسلامیه، ۱۳۷۹ هجری قمری.
- ۳- بهبخت‌الروح، عبدالؤمن بن صفی‌الدین، تهران، بنیاد فرنگ، ۱۳۴۶.
- ۴- مقاصد الالحان، عبدالقادر مراغی، به اهتمام تقی بینش، چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶.
- ۵- موسیقی بلوچستان، محمدتقی مسعودیه، سرور، تهران، ۱۳۶۴.
- ۶- شرح ادوار صفی‌الدین ارموی به قلم عبدالقادر مراغی، به اهتمام تقی بینش، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۷- تاریخ موسیقی ایران، حسن مشحون، نشر سیمرغ، تهران، ۱۳۷۳.